

تعیین رابطه بین نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی با سازگاری اجتماعی در دانش آموزان دختر و پسر

آیت اله فتحی^۱
دکتر یوسف رضاپور^۲
شهرام یاقوتی آذر^۳

۸۹/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت:

۸۹/۱۲/۸

تاریخ پذیرش:

چکیده

پژوهش حاضر به روش همبستگی و با هدف تعیین رابطه بین نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی با سازگاری اجتماعی در دانش آموزان دختر و پسر انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه آموزش و پرورش ناحیه ۵ تبریز را شامل می شود. گروه نمونه این پژوهش ۱۶۰ دانش آموز شامل ۸۰ دختر و ۸۰ پسر بودند که به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه نیازهای بنیادین دانش آموزان (SNS)، پرسشنامه حمایت اجتماعی فیلیس و همکاران (۱۹۸۶) و پرسشنامه سازگاری دانش آموزان سینا و سینگ (۱۹۹۳) بودند. با استفاده از تحلیل مسیر، نتایج نشان داد که اثر مستقیم جنسیت بر متغیرهای نیازهای بنیادین و سازگاری اجتماعی معنی دار به دست آمده است ولی اثر مستقیم آن بر حمایت اجتماعی معنی دار نیست. اثر غیر مستقیم جنسیت بر سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی معنی دار است در حالی که اثر کلی جنسیت بر نیازهای بنیادین معنی دار نیست. اثر مستقیم سازگاری اجتماعی بر حمایت اجتماعی معنی دار ولی اثر کلی آن معنی دار نیست. همچنین نتایج آزمون گروه های مستقل نشان داد که بین دانش آموزان دختر و پسر در متغیرهای نیازهای بنیادین، سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد.

واژه های کلیدی:

نیازهای بنیادین، حمایت اجتماعی، سازگاری اجتماعی

مقدمه

نوجوانی دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است (پیر^۱، ۲۰۰۰). این دوره همراه با تغییرات جسمانی، اجتماعی و شخصیتی است که اغلب بین سنین ۱۳ تا ۲۳ سالگی رخ می دهد (بیابانگرد، ۱۳۷۷). تغییرات این دوره از رشد می توانند زمینه بوجود آمدن مشکلات خاصی شود. هنگامی که نوجوان از گذر موفقیت آمیز از بحرانها و غلبه بر چالشهای تحوّل عاجز شود و عوامل نامساعد شخصی و رفتاری، توان چیرگی بر بحران ها را از او سلب کند، آنگاه وی غلبه بر پریشانی های روان شناختی را تجربه خواهد کرد و اختلال قابل ملاحظه ای در جریان بهنجار زندگی روزمره و جنبه های عاطفی، اجتماعی و شناختی بروز خواهد کرد که به دنبال آن شخصیت نوجوان دچار اغتشاش خواهد شد (گاربر، کیلی و مارتین^۲، ۲۰۰۲).

گوداشتاین و لانیون^۳ (۱۹۹۵) به نقل از مظاهری و همکاران، (۱۳۸۵) سازگاری را فرایند پیوسته ای تعریف کرده اند که در آن، تجارب یادگیری اجتماعی شخص باعث ایجاد توانایی و مهارت هایی را فراهم می سازد که از آن طریق می توان به ارضای نیازها پرداخت. سادوک و سادوک^۴ (به نقل از رحیم نیا و رسولیان، ۲۰۰۳: ۱۳۸۵) سازگاری را یک مفهوم عامی می دانند که همه راهبرد های اداره کردن موقعیت های استرس زای زندگی، اعم از تهدیدات واقعی و غیر واقعی را شامل می گردد. هرگاه تعادل جسمی و روانی فرد به گونه ای دچار اختلال شود که ناخوشایندی به وی دست دهد، برای ایجاد توازن نیازمند به کارگیری نیروهای درونی و حمایت خارجی است و در این صورت اگر در به کارگیری ساز و کارهای جدید موفق شود و مسأله را به نفع خود حل کند، فرایند سازگاری ایجاد شده است. ابعاد سازگاری شامل سازگاری اجتماعی، عاطفی، جسمانی و اخلاقی است که در رأس همه سازگاری اجتماعی قرار دارد به طوری که پیش درآمد رسیدن به سازگاری روانی، اخلاقی و جسمانی، سازگار شدن از لحاظ اجتماعی است (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۵). یکی از منابعی که به وقوع فرایند سازگاری کمک می کند

1- Pierre

2- Garber.;Keily.&Martin

3- Goodestein &Lanyon

4- Sadock and Sadock

حمایت اجتماعی است. حمایت اجتماعی به مراقبت، محبت، عزت، تسلی و کمکی که سایر افراد یا گروه ها می کنند، اطلاق می گردد (کوب^۱، ۱۹۶۷؛ جنتریو کوباسا^۲، ۱۹۸۴؛ والستون و همکاران^۳، ۱۹۸۳؛ ویلز^۴، ۱۹۸۴ به نقل از سارافینو^۵، ۱۳۸۴) و منبعی است که افراد را به کنار آمدن با استرس و ایجاد سازگاری قادر می سازد (راسل و همکاران^۶، ۱۹۸۷ به نقل از یانگ و فارن، ۲۰۰۴).

علاوه بر آن حمایت اجتماعی شامل منابع اجتماعی است که افراد آماده دریافت آن هستند تا روابطشان را بهبود ببخشند (کرونکیت و مووس^۷، ۱۹۹۵، به نقل از لورا و همکاران، ۲۰۰۷). در این رابطه لیندزی (به نقل از روشن و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۳۸۴) معتقد است که وجود حمایت اجتماعی بیانگر قابلیت و کیفیت ارتباط با دیگران است که سبب می شود در مواقع نیاز، منابع لازم جهت احساس مراقبت و ارزشمندی و ایجاد سازگاری، فراهم گردد.

مطالعات زیادی مانند، سالوویتا^۸ و همکاران، ۲۰۰۳؛ وایت و هاستینگز^۹، ۲۰۰۴، سیلا و بلگریو، ۲۰۰۷) نشان دادند که بین حمایت اجتماعی و سازگاری رابطه معنادار وجود دارد. همچنین در یک مطالعه طولی در مدت یک سال هالمانداریز و پاور^{۱۰} (۱۹۹۹) نشان دادند که حمایت اجتماعی سازگاری را پیش بینی می کند. علاوه بر آن پژوهش های دیگری نیز نشان داده اند که حمایت اجتماعی تأثیر مثبتی بر سازگاری دارد (برای مثال هونگ و وینگر^{۱۱}، ۱۹۹۷؛ ویز، ۲۰۰۳؛ هالد و همکاران، ۲۰۰۳؛ برامبلی^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۴). مطالعات دیگری نیز رابطه ای بین حمایت اجتماعی و سازگاری را گزارش کرده اند. برای مثال ورشون (۱۹۹۶) در پژوهشی نشان داد که بین مقبولیت

-
- 1- Cobb
 - 2- Gentry & Kobasa
 - 3- Wallstonn and et al
 - 4- Wills
 - 5- Sarafino
 - 6- Russell and et all
 - 7- Cronkite & moose
 - 8- Saloviita
 - 9- White& Hastings
 - 10- Halamandaris, K.F., & Power
 - 11- Honig, & Winger
 - 12- Bromley

Archive of SID

اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان وجود دارد. تائو^۱ و همکاران (۲۰۰۰) اظهار می دارند که حمایت اجتماعی رابطه نزدیکی با سازگاری اجتماعی دارد. در ایران نیز قراگوزلو و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان دادند بین سازگاری و حمایت اجتماعی، رابطه مستقیم، مثبت و معناداری وجود دارد.

یکی از مسائلی دیگری که در این دوره مطرح است توجه به نیازهای نوجوانان است. گلמן (به نقل از مالی و همکاران، ۱۹۹۵: ۲۰۰۳) خاطر نشان می سازد که توجه به نیازهای دانش آموزان نه تنها موضوعی جهت کاهش رفتارهای منفی دانش آموزان است، بلکه اگر هدف پرورش اعضای موفق و سهیم در جامعه است؛ امری حیاتی است. نیازها سازه ای ساکن و ایستا نیستند؛ بنابر این بیشتر تعریف هایی که از نیازها وجود دارند تا حد زیادی تحت تأثیر چارچوب نظری و فکری محققانی که به مطالعه آن می پردازند، قرار دارند، پس طبیعی است که از نیازها طبقه بندی های زیادی وجود داشته باشد (نصیری و سامانی، ۱۳۸۷). در این میان یکی از نظریه هایی که به نیازهای انسان پرداخته، «نظریه انتخاب» است. نظریه ی انتخاب توسط گلاسر^۲ پایه ریزی گردید و در آن بر پنج نیاز اساسی انسان تأکید شده است. این نیازها درونی، جهان شمول، پویا و همخوان با یکدیگرند (تریگوناکی، ۲۰۰۲). این پنج نیاز اساسی عبارتند از بقاء، عشق، قدرت، آزادی و تفریح^۳ (گلاسر، ۱۳۸۵).

در طی پژوهش های سالهای اخیر درک و بر آوردن این پنج نیاز اساسی راهی برای بهبود کیفیت زندگی و رفتار افراد بوده است (مایکل و مایکل^۴، ۲۰۰۲؛ ربان^۵، ۲۰۰۰؛ سمیدا^۶، ۲۰۰۰ و ویتک^۷، ۲۰۰۰ به نقل از فری و ویلهیت، ۲۰۰۵). مؤلفه های مربوط به هر دسته نیاز عبارتند از:

۱- بقاء که شامل نیاز جسمانی انسان، زنده ماندن و تولید مثل، نیاز به امنیت و موفقیت تحصیلی است (منبع پیشین)

-
- 1- Tao
 - 2- Glasser
 - 3- Survival, Love, power, Freedom & Fun
 - 4- Mickel & Mickel
 - 5- Reban
 - 6- Samida
 - 7- Wittek

۲- تفریح که نیاز به لذت بردن، شادی کردن، خندیدن، بازی کردن و داشتن اوقات فراغت را در بر می گیرد (اروین، ۲۰۰۳).

۳- عشق که شامل عشق و صمیمیت فردی، توجه به سلامتی دیگران، در صدد آشنایی با دیگران برآمدن، روابط نزدیک با دوستان، احساس راحتی در کنار خانواده و روابط مناسب و رضایت بخش با خود و دیگران می گردد (هافستتler^۲ و همکاران، ۲۰۰۴).

۴- آزادی که به کنترل راه و روش زندگی، انتخاب گزینه های دلخواه، آزادی بیان، همکاری با فرد دلخواه، ادامه به شغل یا فعالیت دلخواه و آزاد و رها بودن از ناراحتی های جسمانی یا روانی شامل ترس، استرس، بی حرمتی و یکنواختی، اطلاق می گردد (اروین، ۲۰۰۳).

۵- قدرت: نیاز به قدرت، منزلت، احترام، بازشناخته شدن از طرف دیگران، به حساب آمدن، بُرش داشتن، لذت از رقابت، ترس از آسیب پذیری، تلاش کردن و مطرح بودن بخاطر تلاش و موفقیت را شامل می گردد (هافستتler و همکاران، ۲۰۰۴). نیازهای بنیادین می تواند در بین دختران و پسران متفاوت باشد و این موضوع در پژوهش هایی مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال هاروی و رتر (۲۰۰۲) در تحقیقی نشان دادند که پسران به طور معنادار نسبت به دختران در تفریح ترجیح بالاتری از خود نشان دادند و با افزایش سن دختران به طور معناداری ترجیح کمتری به عشق و تعلق از خود نشان دادند در حالی که ترجیح پسران به عشق و تعلق کاهش کمتری داشته است همچنین با افزایش سن دختران ترجیح بیشتری نسبت به تفریح از خود نشان دادند در حالی که ترجیح پسران برای تفریح به همان میزان باقی ماند. علاوه بر آن ترجیح به قدرت در هر دو جنس کاهش یافت درحالی که نیاز به آزادی افزایش یافت و در نهایت اینکه دختران و پسران در نیاز به آزادی و خودارزشمندی سطوح مشابهی از خود نشان دادند. با توجه به اینکه شناسائی مسائل و مشکلات دانش آموزان در محیط مدرسه از بُعد نیازهای فیزیولوژیکی و روان شناختی بسیار می تواند مؤثر واقع شود زیرا درک نیازهای دانش آموزان و تلاش جهت حل آن همواره از موارد مورد تاکید آنان در این

1- Ervin
2- Huffstetler

Archive of SID

دوره حساس بوده است. مداخلات در یادگیری که به طور مستقیم بر مبنای نیازهای دانش آموزان است نیز باعث ارتقاء مشارکت دانش آموزان، رشد و بهبود علاقه و جلب رضایت آنان می شود (بکرت^۱ و همکاران، ۲۰۰۳). پژوهشی که به بررسی رابطه بین نیازهای بنیادین و سازگاری اجتماعی پرداخته باشد یافت نشد، لذا پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و نقش این نیازها در سازگاری به بررسی رابطه آن دو می پردازد. همچنین با توجه به تمهیدات یاد شده متغیر حمایت اجتماعی نیز نقش مهمی در سازگاری دانش آموزان دارد؛ به همین دلیل در پژوهش حاضر ارتباط بین آن متغیرها نیز مورد بررسی قرار می گیرد. بر این اساس مسأله اساسی در پژوهش حاضر این است که چه رابطه ای بین نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی با سازگاری اجتماعی وجود دارد.

اهداف پژوهش

- ۱- تعیین تاثیر جنسیت بر متغیرهای نیازهای بنیادین، سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی
- ۲- تعیین تاثیر نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی
- ۳- تعیین نقش تعدیل کنندگی نیازهای بنیادین بین جنسیت و سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی
- ۴- تعدیل کنندگی حمایت اجتماعی بین نیازهای بنیادین و سازگاری اجتماعی

فرضیه های پژوهش

- ۱- جنسیت بر متغیرهای نیازهای بنیادین و سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.
- ۲- متغیرهای نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.
- ۳- جنسیت از طریق تأثیرگذاری بر متغیر نیازهای بنیادین بر متغیرهای سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی تأثیر غیر مستقیم دارد.

۴- متغیر نیازهای بنیادین از طریق تأثیر گذاری بر متغیر حمایت اجتماعی بر متغیر سازگاری اجتماعی تأثیر غیر مستقیم دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

این پژوهش در چهار چوب یک طرح غیر آزمایشی، از نوع همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه آموزش و پرورش منطقه ۵ تبریز را شامل می شود. گروه نمونه این پژوهش ۱۶۰ نفر دانش آموز شامل ۸۰ دختر و ۸۰ پسر بودند که به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و مورد آزمون قرار گرفتند.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه سازگاری دانش آموزان

این پرسشنامه توسط سینا و سینگ (۱۹۹۳) تدوین شده است و دانش آموزان را از نظر میزان سازگاری در سه بعد عاطفی، آموزشی و اجتماعی مورد ارزیابی قرار می دهد. همچنین مجموع سه بعد سازگاری عمومی دانش آموز را نشان می دهد. در این تحقیق از فرم ۴۷ سوالی آن استفاده شده است و برای نمره گذاری آن پاسخ هایی که نشانگر سازگاری است نمره صفر داده می شود و در غیر این صورت نمره یک منظور می گردد. مجموع کل نمرات نشان دهنده سازگاری عمومی فرد و مجموع نمرات فرد در هر حوزه سازگاری مشخص کننده سازگاری فرد در آن حوزه است. نمره پایین نشان دهنده سازگاری بالاتر و نمره بالا نشان دهنده سازگاری پایین تر است. این آزمون در هر سه سطح اجتماعی، عاطفی و آموزشی از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است. ضریب پایایی این آزمون توسط مولفان سینا و سینگ (۱۹۹۳) از طریق دو نیمه کردن، برای سازگاری کل، عاطفی اجتماعی و آموزشی به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۴، ۰/۹۳، ۰/۹۶ و ۰/۹۶ با آزمایشی ۰/۹۳، ۰/۹۶، ۰/۹۰ و ۰/۹۳ با روش کودر - ریچادسون ۰/۹۴، ۰/۹۲، ۰/۹۲ و ۰/۹۶ گزارش کرده اند (کریمی، ۱۳۷۷). نویدی (۱۳۸۷) با اجرای این پرسشنامه بر روی

۱۶۴ دانش آموز دبیرستانی، ضریب آلفای کرونباخ برای سازگاری کلی ۰/۸۲ و برای سازگاری آموزشی، عاطفی و اجتماعی به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۸ و ۰/۶۵ را گزارش کرده است.

۲- پرسشنامه حمایت اجتماعی فیلیس، واکس

این پرسشنامه توسط فیلیس، واکس، تامپسون، ویلیامز و استورات، ۱۹۸۶ به نقل از لطفی، ۱۳۷۳ ساخته شده است. ساختار نظری این پرسشنامه بر پایه تعریف کوب از حمایت اجتماعی استوار است. کوب حمایت اجتماعی را به میزان برخورداری از محبت، مساعدت و توجه اعضاء خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف کرده است. این پرسشنامه دارای ۲۳ سوال است که سه حیطه محیط خانواده، دوستان و سایرین را در بر می گیرد. نمره گذاری این آزمون به صورت چهارگزینه ای بسیار موافق، موافق، مخالف و بسیار مخالف است. این آزمون با تغییراتی توسط ابراهیمی قوام (۱۳۷۱) روی ۱۰۰ دانشجو و ۲۰۰ دانش آموز ایرانی اجرا شده و پایایی و روایی آن نیز به دست آمده است. ضریب پایایی در نمونه دانشجویی در کل مقیاس ۰/۹۰ و در نمونه دانش آموزی ۰/۷۰ و در آزمون مجدد در دانش آموزان پس از شش هفته ۰/۸۱ به دست آمده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۱ به دست آمده است (تابع بردار و رضویه، ۱۳۸۳).

۳- پرسشنامه نیازهای بنیادین دانش آموزان (SNS)^۱

این مقیاس دارای ۵ آیتم برای ۵ نیاز اساسی شامل نیاز به بقاء، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و تفریح است. دانش آموزان به هر یک از آیتم ها بر اساس مقیاس لیکرتی که از «هرگز» تا «کاملاً درست» پاسخ می دهند. بنابراین به هر یک از آیتم ها نمره ی ۱ تا ۵ اختصاص می یابد و نمره هر یک از خرده مقیاس ها از ۵ تا ۲۵ در نوسان است که ۵ به معنای عدم ارضاء نیاز و ۲۵ به معنای ارضاء شدن نیاز است. آیتم ها توسط پنج نفر از مدیران مدارس که در موسسه گلاسر دارای گواهینامه «مدرسه کیفی» بودند، طراحی

گردید (برنز و همکاران، ۲۰۰۶).

• پایایی: ضریب آلفای کرونباخ برای ۲۵ آیتم مقیاس ۰/۹۲ گزارش گردید و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب عبارتست از: ۰/۷۱ برای بقاء، ۰/۶۹ برای عشق و تعلق، ۰/۶۹ برای قدرت، ۰/۷۵ برای آزادی و ۰/۷۱ برای تفریح. پایایی بازآزمایی برای کل آزمون ۰/۹۶ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب عبارتند از: ۰/۸۸ برای بقاء، ۰/۹۱ برای عشق و تعلق، ۰/۸۸ برای قدرت، ۰/۸۰ برای آزادی و ۰/۸۱ برای تفریح (همان منبع). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس‌های، بقاء، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و تفریح به ترتیب ۰/۴۴، ۰/۴۸، ۰/۶۴، ۰/۶۴ و ۰/۶۴ به دست آمد.

• روایی: برنز و همکاران (۲۰۰۶) برای نصف (۱۳ آیتم) ضریب بالای ۰/۷۰ و بیش از ۹ آیتم دارای ۰/۶۵ و بالاتر از آن را گزارش کرده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده و برآورد نتایج تحقیق از شیوه تحلیل مسیر به وسیله نرم افزار LISREL استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

از آنجایی که در این پژوهش، هدف بررسی اثرات نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی است از الگوی تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل مسیر یک روش آماری مبتنی بر نظام معادله خطی است که به منظور بررسی روابط علی دو یا چند متغیر به کار می‌رود. با کمک تحلیل مسیر می‌توان روابط مستقیم و غیر مستقیم یک مجموعه از متغیرها را مورد مقایسه قرار داد (هومن، ۱۳۸۰)

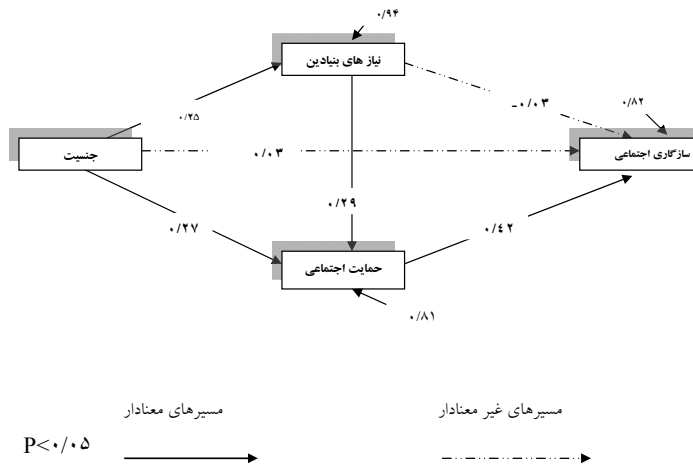
جدول شماره ۱ اثر مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرها را بر یکدیگر نشان می‌دهد. اثر مستقیم جنسیت بر متغیرهای نیازهای بنیادین، حمایت اجتماعی معنی دار به دست آمده است ولی اثر مستقیم آن بر سازگاری اجتماعی معنی دار نیست. اثر غیر مستقیم جنسیت بر سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی معنی دار گزارش شد و نیز نتایج حاکی از این

است که اثر کلی جنسیت بر نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی و سازگاری اجتماعی معنی دار می باشد. اثر مستقیم و کلی حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی معنی دار می باشد.

جدول ۱: اثرات مستقیم و غیر مستقیم و آثار کل متغیرها

اثرها	آثار مستقیم	آثار غیر مستقیم	آثار کل	R^2	واریانس خطا
بر سازگاری اجتماعی از جنسیت	۰/۰۳	*۰/۰۷	*۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۸۲
نیازهای بنیادین	-۰/۰۳	*۰/۱۲	*۰/۰۹		
حمایت اجتماعی	*۰/۴۲	۰/۰۰	*۰/۴۲		
بر حمایت اجتماعی از جنسیت	*۰/۲۷	*۰/۱۴	*۰/۳۴	۰/۱۹	۰/۸۱
نیازهای بنیادین	*۰/۲۹	-	*۰/۲۹		
بر نیازهای بنیادین از جنسیت	*۰/۲۵	-	*۰/۲۵	۰/۰۶	۰/۹۴

به منظور آزمون مدل و مسیرهای آن از روش های گوناگون استفاده می شود. یکی از روش های موجود شاخص نیکویی برازش است و از پانزده روش برازش حداقل چهار تای آن مورد توجه است که عبارتند از: RMR، GFIT، AGFI، CFI بر اساس نتایج بدست آمده از تحلیل داده ها کلیه شاخص های برازش معنی دار بوده و نشان می دهد که مدل با داده ها برازش کاملی دارد. این شاخص ها عبارتند از $GFI=1$ ، $RMR=0$ ، $AGFI=1$ و $P=1$ مدل نهایی تحلیل مسیر پس از برآورد ضرایب مسیر در نمودار ۱ ارائه شده است.



با توجه به نتایج بالا کلیه فرضیه‌های پژوهش به جزء فرضیه تأثیر مستقیم جنسیت و نیازهای بنیادین بر سازگاری اجتماعی تأیید می‌شوند.

جدول ۲: نتایج بدست آمده از آزمون t گروه‌های مستقل

متغیرها	دختر			پسر			f	درجه آزادی	سطح معناداری
	فرآوانی	میانگین	انحراف معیار	فرآوانی	میانگین	انحراف معیار			
نیازهای بنیادین	۸۰	۶۰/۳۹	۱۱/۳۲	۸۰	۶۵/۹۰	۱۵/۹۱	۲/۵۳	۱۵۸	۰/۰۱۲
حمایت اجتماعی	۸۰	۲۴/۴۲	۸/۰۱	۸۰	۴۷/۰۰	۸/۹۵	۳/۵۴	۱۵۸	۰/۰۰۱
سازگاری اجتماعی	۸۰	۱۳/۶۸	۵/۳۸	۸۰	۱۹/۳۹	۶/۲۴	۶/۱۸	۱۵۸	۰/۰۰۰

نتایج به دست آمده از آزمون t گروه‌های مستقل به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۲ نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر در متغیرهای نیازهای بنیادین و سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی تفاوت معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان انجام شد. در پی یافته‌های بدست آمده از تحقیق

Archive of SID

حاضر، با بهره گیری از روش تحلیل مسیر، مشخص شد که اثر متغیر حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی یک اثر معنادار و مثبت است. همسو با این یافته می توان به نتایج مطالعات سالورینا (۲۰۰۳)، وایت و هاستینگز (۲۰۰۴)، سسیلا و بلگریو (۲۰۰۷)، هالمانداریز و پاور (۱۹۹۹)، هونگ و ینگر (۱۹۹۷)، ویز (۲۰۰۳)، هلند و همکاران (۲۰۰۳)، برامبلی و همکاران (۲۰۰۴)، ورشون (۱۹۹۶)، تائو و همکاران (۲۰۰۰) و قراگوزلو و همکاران (۱۳۸۷) اشاره کرد.

اثر نیازهای بنیادین بر سازگاری اجتماعی، جنبه دیگر مطالعه حاضر است که مورد تأیید واقع شد. این یافته به نوعی همسو و هماهنگ با پژوهش گلמן (۱۹۹۵) و نظریه انتخاب گلاسر (۱۳۸۵) می باشد. یافته های پژوهشی حاضر می تواند بیانگر تأثیر ارضاء نیازهای بنیادین بر سازگاری اجتماعی باشد، در واقع می توان چنین برداشت کرد که اگر نیازهای بنیادین، نظیر نیاز به بقاء، عشق، قدرت، آزادی و تفریح تا حدودی اغناء شود، سازگاری اجتماعی نیز افزایش می یابد.

سازگاری مسئله ای است که مخصوص انسان نمی باشد. هر موجود زنده ای به فراخور وجود خود و به اقتضای طبیعت و مرحله تکاملی که به آن دست یافته است، ناچار است به طریقی که تضمین کننده حیات و بقای اوست خود را با محیط پیرامون سازگار کند. دانش آموزانی که با همسالان خود ارتباط بهتری دارند از سازگاری اجتماعی خوبی برخوردارند. احساسات خود را صریح و آشکار و به شیوه پخته و معقول ابراز می کنند. کودک سازگار کودکی سرزنده و شاداب است که قادر است با تمام وجود وظیفه ای که به وی محول شده است را انجام دهد و نیازی به خیالبافی و گریز از واقعیت نداشته باشد، دارای ثبات عاطفی لازم و قدرت کافی جهت روبرو شدن با ناکامی است بدون اینکه هیچگونه احساس شکست و ناکامی در وی بوجود آید (ابراهیمین، ۱۳۵۰).

کودکانی که اغلب به خاطر فقر فرهنگی خانواده و نا آشنایی والدین با مقتضیات حاکم بر رشد، ضربه های روانی تقریباً جبران ناپذیری می خورند بعد از ورود به مدرسه با عناوینی چون کند ذهن و عقب مانده شناخته می شوند. در حالیکه درد این افراد اینست که به جای ارضای به موقع و صحیح نیازها و دریافت محبت از محبت محروم مانده اند، طرد شده، بی اعتنایی کشیده، تحقیر شده و احساس کرده اند که کسی آنها

را نمی خواهد. عدم پاسخگویی به نیازها، نشان دادن بی حوصلگی و در ناراحتی نگه داشتن کودکان و نوجوانان تأثیرات بسار مخربی در آنان بر جای می گذارد. هر عاملی که سدی در برابر رشد جسمانی و عاطفی کودک به شمار رود می تواند ایجاد طرح و الگویی از اختلالات عاطفی را سبب شود که همواره ریشه رفتارهای ضد اجتماعی، ناسازگارانه یا بزهکارانه است (هارلی، ترجمه پورافکاری، ۱۳۶۲).

در این مطالعه اثر نیازهای بنیادین بر حمایت اجتماعی معنادار بدست آمد. این یافته نشان می دهد اگر نیازهای بنیادین، نظیر نیاز به بقاء، عشق، قدرت، آزادی و تفریح در انسان مطابق با نظریه انتخاب برآورد شود، محبت، تسلی و عزت یعنی حمایت اجتماعی افزایش می یابد.

تأثیر متغیر جنسیت بر نیازهای بنیادین، معنی دار و مثبت است. این یافته با نتایج تحقیقات پژوهشگران چون هاروی و رتر (۲۰۰۲) هماهنگ می باشد و اما تأثیر متغیر جنسیت بر متغیر حمایت اجتماعی معنی دار بدست نیامد و این یافته بیانگر کاهش و زوال تفاوت و شکاف جنسیتی میان دختران و پسران در جامعه مورد مطالعه در مورد متغیر حمایت اجتماعی است، و این ایده که زنان به محبت و مراقبت نیاز دارند جای اصلاح و بررسی دارد و نیز در این مطالعه نقش و اثر متغیر جنسیت بر سازگاری اجتماعی مثبت و معنی دار بدست آمد.

در بخش مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در میانگین‌های متغیرهای مورد مطالعه، نتایج نشان می دهد که بین میانگین نمرات سازگاری اجتماعی، حمایت اجتماعی و نیازهای بنیادین بین پسران و دختران تفاوت‌های مثبت و معنی داری دیده می شود که این تفاوت به نفع پسران می باشد.

- ۱- ابراهیمین، دیوید (۱۳۵۰)، روانشناسی کیفری، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۷)، روانشناسی نوجوانی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی
- ۲- تابع بردبار فریبا، رضویه علی اصغر (۱۳۸۳)، بررسی رابطه راهبردهای رویارویی و حمایت های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در دوره نوجوانی، مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی ۵ (۱) ص ۲۱-۲۵.
- ۳- رحیم نیامحسن، رسولیان مریم (۱۳۸۵)، مقایسه مکانیسم های سازگاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران و نوجوانان دبیرستانی، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۱۱۲ (۱)، ص ۴۴-۲۹-۳۵.
- ۴- روشن، رسول؛ شعیری، محمد رضا و یعقوبی، حمید (۱۳۸۴)، تأثیر رابطه مشاوران همسان در ارتقای سلامت روانی و سازگاری دانشجویان جدید الورود غیر بومی، مجله علمی-پژوهشی دانشور، سال دوازدهم، شماره ۱۰، ص ۳۵-۴۲.
- ۵- سارافینو، ادواردپ (۱۳۸۴)، روان شناسی سلامت، ترجمه الهه میرزایی و همکاران، تهران: انتشارات رشد.
- ۶- فراگوزلو، فاطمه؛ رحیمی نژاد، عباس و رضازاده، محمد رضا (۱۳۸۷)، بررسی رابطه حمایت اجتماعی خانواده و دوستان با سازگاری آموزشی دانشجویان، مجموعه مقالات سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، تهران، ایران.
- ۷- گلاسر، ویلیام (۱۳۸۵)، نظریه انتخاب: روانشناسی نوین آزادی فردی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: انتشارات رسا.
- ۸- مظاهری، اکرم و همکاران (۱۳۸۵)، تأثیر آموزش گروهی عزت نفس بر میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال سیزدهم، شماره ۱۶، ص ۴۹-۵۶.
- ۹- نصیری، حبیب اله و سامانی، سیامک (۱۳۸۷)، بررسی روایی و پایایی و ساختار عاملی مقیاس نیازهای خانواده برای خانواده های ایرانی، فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۱۴، ص ۱۱۰-۱۲۲.
- ۱۰- نویدی، احد (۱۳۸۷)، تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت های سازگاری پسران دوره متوسطه شهر تهران، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال چهاردهم، شماره ۴، ص ۳۹۴-۴۰۳.
- ۱۱- هارلی، راجرز (۱۹۸۶)، فقر و کم هوشی و روابط آنها، ترجمه پورافکاری ۱۳۶۲، تهران انتشارات ذوقی.
- ۱۲- هومن، حیدر علی (۱۳۸۰)، تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش رفتاری، تهران: نشر پارسا.

1- Beckert, L. Wilkinson, T, J & Sainsbury, R. (2003). A Need Based Study and Examination Skills Course Improves Student's Performance. Medical Educa-



2- Bromley, J., Hare, D. J., Davison, K., & Emerson, E. (2004). Mothers supporting children with autism spectrum disorders. Social support, mental health status and satisfaction with services. *Autism*, 8, 409–423.

3- Burns, M, K, Vance, Diane, Seadokierski, I & Stockwell, C. (2006) Student Needs Survey: A Psychologically Sound Measure of the Five Basic Needs. *International Journal of Reality Therapy*. Vol XXV, Number 2.

4- Cecilia Z. M. Belgrave.F.(2007). Stress, Social Support, and College Adjustment Among Latino Students . *Cultural Diversity and Mental Health* Volume 2, Issue 3, 193-203.

5- Ervin, J.(2003) Giving Students What They Need. *Educational Leadership*. University students. *British Journal of Guidance and Counseling*, Vol, 34 no 4.

6- Frey,l.M&wilhite.k.(2005).Our Five Basic Needs:Application for understanding the function of behavior. *Journal of Intervention in school and clinic*. Vol.40,No.3.156-160

7- Garber,j.; Keily. M.K. & Martin, N.C.(2002).Development of adolescence depressive symptoms: predictors of change. *Journal of counseling and clinical psychology*,70.79-95.

8- Halamandaris,K.F.,&Power,K.G.(1999).Individual differences.social support and coping With the examination stress:A study of the psychological and academical adjustment of first year home students.*Pesronality and Individual Differences*.26, 665-685.

9- Harvey, V, S & Retter, K. (2002) Variations by Gender Between Children and Adoulescents on the Four Basic Psychological Needs. *International Journal of Reality Therapy*, Vol. XXI, number 2.

10- Holland, K. D., & Holahan, C.K. (2003). The relation of social support and coping to positive adaptation to breast cancer. *Psychology and Health*, 18, 15–29.

11- Honig, A. S., & Winger, C. J. (1997). A professional support program for families of handicapped preschoolers: decrease in maternal stress. *The Journal of Primary Prevention*, 17, 285–296.

12- Huffstetler, B, C, Mims, S, H & Thomson, C, L. (2004) Getting Together and Staying Together: Testing the Compatibility of the Need – Strength Profile and the Basic Needs Survey. *International Journal of Reality Therapy*. Vol XXIII. Number2.

13- Laura J Friedlander; Graham J Reid; Naomi Shupak; Robert Cribbie. (2007). Social Support, Self- Esteem, and Stress as Predictors of Adjustment to University Among First –year under graduates. *Journal of College Student Development*,48.3.259-274.

14- Malley, J. Basic, J. Beck, M. Tavra, K,V. Feric, M & Conway, J. (2003) Students Perception of Their Schools: *An International Journal of Reality Therapy*, Vol. XXII,number1.

15- Pierre,C.(2000).The developing person through childhood and Adolescence .New York:worth publishers.

16- Saloviita, T., Italinna, M., & Leinonen, E. (2003). Explaining the parental stress of fathers and mothers caring for a child with intellectual disability: A Double ABCX Model. *Journal of Intellectual Disability Research*, 47, 300–312.

17- Tao.S.Dong,Q.,Pratt,M.W.,Hunsberger, B., & Pancer. S. M. (2000). Social support ;Relation to coping and adjustment during the transition to university in the People` s Republic of China.*Journal of Adolesent Research*,15(1).123-144.

18- Trigonaki, N. (2002) Parents of Children with Autism and Five Basic Needs. *International Journal of Reality Therapy*, Vol. XXI, number 2.

19- Weiss, M. J. (2002). Hardiness and social support as predictors of stress in mothers of typical children, children with autism, and children with mental retardation. *Autism* 115–130, 6,..

20- White, N., & Hastings, R. P. (2004). Social and professional support for parents of adolescents with severe intellectual disabilities. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, 17, 181–190.

21- Yang,H.,Farn,C.,(2005).An investigation the factors affecting MIS student burnout in technical vocational college.computer in human behaviour. vol21.917-932.